

مبانی حقوقی و فقهی جرم انگاری تبعیض ژنتیکی^۱

۱- نایب علی اختری

دانشجوی دکتری حقوق جزا، جامعه المصطفی العالمية نمایندگی خراسان، مشهد، ایران.

1. Naib Ali Akhtari

PhD Student in Criminal Law, Al-Mustafa International University, Khorasan Branch, Mashhad, Iran.

nayebakhtari@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-0605-125X>

۲- محمد باقر گرایلی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

2. Muhammad Bagher Gerayeli

Assistant Professor, Department of Law, Razavi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author).

bagher_grayly@miu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-1024-0262>

۳- سید محسن مرتضوی

استاد یار گروه فقه پزشکی، مجتمع فقه جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران.

3. Sayyid Mohsen Mortazavi

Assistant Professor, Department of Medical Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

beytmortazavi@gmail.com

1. Legal and Jurisprudential Foundations of the Criminalization of Genetic Discrimination

نوع مقاله: پژوهشی

ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

Article Type: Research Article

Received: 12 May 2025

Received in revised form: 31 May 2025

Accepted: 02 July 2025

Available online: 09 July 2025

<https://orcid/0009-0004-7851-8421>

چکیده

با پیشرفت علوم زیستی، داده‌های ژنومی انسان کاربردهای گسترده‌ای یافته است؛ سوءاستفاده از این اطلاعات و اعمال تبعیض ژنتیکی در حوزه‌هایی چون اشتغال و سلامت، نگرانی‌هایی جدی ایجاد نموده است. فقدان قانون در این زمینه، ضرورت بررسی مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری را نمایان می‌سازد. پرسش اصلی این است آیا مبانی جرم‌انگاری ورود قانون‌گذار را به عرصه جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی موجه می‌شمارد یا منافع موجود در داده‌های ژنتیکی مانع چنین مداخله‌ای است؟ پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به مبانی حقوقی و فقهی جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی بر اساس نظریه فیلترینگ که عبور از سه فیلتر متمایز را برای توجیه جرم‌انگاری ضروری می‌شمارد، پرداخته به این نتیجه رسیده است که تبعیض ژنتیکی، به دلیل نقض منافع دیگران و نقض ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی شامل اصول محدودکننده آزادی قرار می‌گیرد و ضمانت اجرای کیفری به جهت قدرت بازدارندگی و سرزنش اجتماعی مؤثرترین اقدام در مقابله با تبعیض ژنتیکی تلقی می‌گردد. از نظر فقهی نیز دسترسی به اطلاعات ژنتیکی افراد بدون کسب رضایت و استفاده از آن در راستای تبعیض ژنتیکی مطابق ادله فقهی جواز ندارد، با وجود این مجازاتی برای آن در شرع تعیین نشده است. برای تعیین مجازات می‌توان به قاعده فقهی التعزیر لکل عمل محرم تمسک نمود.

واژگان کلیدی: تبعیض ژنتیکی، جرم‌انگاری، اصل سلطنت، اصل کرامت

مقدمه

در پرتو پیشرفت علوم زیستی در نیم قرن اخیر، داده‌های ژنومی انسان به دلیل توانایی قدرت پیش‌بینی و ارائه چشم‌انداز برای آینده در تحقیقات پزشکی، ارتقای سلامت عمومی، توسعه و تأمین امنیت بهداشتی کشورها اهمیت زیادی یافته است. این داده‌ها ابزار مهمی برای درک علل بیماری‌های پیچیده، درمان بیماری‌های لاعلاج، تولید دارو، واکسن، شناسایی مجرمین، قربانیان جنایات، تشخیص والدین و حفظ تنوع ژنتیکی اقوام مختلف محسوب می‌گردد. با وجود کاربردهای ارزشمند داده‌های ژنومی، نگرانی‌های جدی درباره سوءاستفاده‌های احتمالی از اطلاعات ژنتیکی انسان وجود دارد. در سطح بین‌المللی اعلامیه‌ها و مصوبات متعددی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مانند یونسکو، سازمان بهداشت جهانی و شورای اروپا در جهت پیشگیری از سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی انسان تصویب شده است؛ مانند «اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر» در سال ۱۹۹۷، «اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی» در سال ۲۰۰۳ و «اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر» در سال ۲۰۰۵، این اسناد به خطرهای سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی و تبعیض ژنتیکی اشاره نموده

و بر تضمین‌هایی تأکید دارند که مانع از سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی و تبعیض ژنتیکی گردد. در سطح ملی برخی کشورها نیز اقدامات قانونی جدی‌تری اتخاذ نموده اند در آمریکا قانون منع تبعیض ژنتیکی در استخدام (مصوب ۲۰۰۰) و قانون حریم خصوصی اطلاعات پزشکی و ژنتیکی (مصوب ۲۰۰۸) تصویب شده است. در قانون جزای فرانسه تبعیض ژنتیکی با واکنش کیفری مواجه شده است. در ایران، قوانین موجود تا حدی از افشای اطلاعات ژنتیکی جلوگیری می‌کند، اما قانون مشخصی برای حمایت از افراد در برابر تبعیض ژنتیکی وجود ندارد. راهنمای اخلاقی پژوهش‌های ژنتیک مصوب شورای سیاست‌گذاری وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۲، بهره‌برداری تبعیض‌آمیز از داده‌های ژنتیکی و پروتئومیک انسانی^۲ را ممنوع اعلام کرده است. با وجود نگرانی‌های فزاینده در خصوص بروز تبعیض ژنتیکی در حوزه‌هایی مانند اشتغال، خدمات بهداشتی و درمانی—که می‌تواند به نادیده گرفتن حقوق، مزایا و فرصت‌های برابر بینجامد—و در فقدان ضمانت‌های اجرای رهنمودهای اخلاقی و نبود قانون‌گذاری شفاف، پرداختن به مبنای حقوقی جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اصلی این است که آیا مبنای موجود در جرم‌انگاری توان تبیین و توجیه ورود قانون‌گذار به عرصه جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی انسانی را دارند، یا آنکه منافع فردی و جمعی نهفته در داده‌های ژنتیکی، مانعی جدی در برابر جرم‌انگاری در این زمینه به شمار می‌آیند؟ از نظر فقهی نیز تبعیض ژنتیکی از مسائل مستحدثه فقهی محسوب می‌شوند، حکم آن به طور دقیق در منابع فقهی مشخص نشده است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران بیان می‌کند که در صورت نبود حکم مشخص در قانون، قاضی باید به منابع معتبر فقهی و فتاوای شرعی رجوع کند. این

^۲ Human Proteomics : پروتئین‌های تولیدشده در سلول‌های انسانی، که در تشخیص زود هنگام بیماری‌ها، و توسعه داروهای هدفمند کاربرد دارد

امر ضرورت تحقیق و بررسی فقه اسلامی را در این زمینه نشان می‌دهد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی مبانی حقوقی و فقهی جرم انگاری تبعیض ژنتیکی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در خصوص تبعیض ژنتیکی مقاله عباسی (۱۳۹۵) تحت عنوان «تلاش‌های بین‌المللی در مقابله با تبعیض ژنتیکی» و مقاله جوانمرادی و نظری (۱۳۹۶) با عنوان «تبعیض ژنتیکی در نظام حقوقی کانادا و ایران» هردو به تدابیر بین‌المللی اتخاذشده در جهت منع تبعیض ژنتیکی و نقش دولت‌ها در جلوگیری از تبعیض ژنتیکی پرداخته‌اند و به مبانی حقوقی منع و جرم انگاری تبعیض ژنتیکی در قلمرو ملی اشاره نکردند. پژوهش حاضر از این جهت که مبانی حقوقی و فقهی جرم انگاری تبعیض ژنتیکی را مطرح می‌نماید دارای نوآوری است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۲- مبانی جرم انگاری

واژه «مبانی» برگرفته از «مبنا» است که در لغت به معنای پایه و اساس هر چیز به کار می‌رود (جوهری، ۱۴۱۰، ۶: ۲۲۸۶). در علم حقوق، این اصطلاح به اصول کلی یا قواعد بنیادین اطلاق می‌شود که بنیان تدوین قوانین و مقررات حقوقی را شکل می‌دهند و پشتوانه اعتبار آن‌ها به شمار می‌آیند (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱: ۹). جرم‌انگاری عملی است که در آن قانون‌گذار با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه و با استناد به مبانی نظری خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع اعلام کرده و برای آن ضمانت اجرای مجازات قرار می‌دهد (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۹۰). جرم انگاری به‌خودی‌خود با محدود نمودن آزادی،

سلب و نقض حقوق مرتبط است و دخالت در حقوق و آزادی‌های افراد نیازمند توجیه چرایی آن است، مبانی حقوقی جرم‌انگاری شامل اصول و قواعدی است که ضرورت و مشروعیت اعمال ممنوعیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین کیفری را توجیه می‌کنند (اصفهانی؛ رئیسی و آرش پور، ۱۳۹۹: ۲۷۳). مقصود از مبانی فقهی ادله شرعی است که برای اثبات حرمت و منع شرعی به آن استدلال می‌گردد؛ زیرا انسان، به دلیل محدودیت‌های شناختی و ضعف‌های نفسانی، از درک کامل مصالح و مفساد حقیقی که احکام شرعی بر مبنی آن جعل شده عاجز است. بنابراین، برای شناخت قواعد صحیح رفتاری در حوزه فردی و اجتماعی، باید به کشف اراده شارع پرداخت؛ امری که از طریق مراجعه به منابع استنباط احکام ممکن می‌گردد (مصباح، ۱۳۷۹: ۹۴).

۲-۲- دادۀ ژنتیک

«ژن» بخشی از مولکول DNA انسان که در قسمت ثابتی از یک کروموزوم قرار دارد، گفته می‌شود (مایکل، ۱۳۹۴: ۲۷۸). به تمام ژن‌های موجود در ۲۳ جفت کروموزوم هسته سلولی انسان «ژنوم» اطلاق می‌شود که از حدود سه بیلیون جفت باز تشکیل شده است (میر هاشمی ۱۳۹۶: ۱۹). دادۀ ژنتیکی به اطلاعاتی گفته می‌شود که هم از توالی ظاهری نمونه‌های DNA و هم از تحلیل‌های بیوانفورماتیکی فراتر از این توالی‌ها به دست می‌آید. این اطلاعات پنهان، بسیار گسترده، دقیق و دارای ماهیتی شخصی، خانوادگی، قومی، نژادی و ملی هستند و با داشتن قابلیت پیش‌بینی بالا، می‌توانند چشم‌اندازهای مهمی نسبت به آینده ارائه دهند. چنین داده‌هایی در حوزه‌های گوناگون دارای کارکردهای متعددی‌اند (کاظمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۹). در حوزه‌ی «فارماکوژنتیک» که به توصیف رابطه بین تنوع ژنتیکی در کدهای ژنی برای سوخت‌وساز دارو و واکنش دارو می‌پردازد، در فرایند متابولیسم دارو و انتخاب دارو اهمیت

دارد. شرکت‌های دارویی این امکان را می‌یابد با استفاده از اطلاعات ژنتیک افراد داروهای جدید خود را در بخش‌های مختلف از جمعیت، مکان‌های مختلف آزمایش کنند و عکس‌العمل بدن افراد را به داروهای متفاوت و مواد شیمیایی در محیط‌زیست پیش‌بینی نمایند و برای هر فرد بسته به ساختار جسمی و محیطی او درمان و داروی مخصوص بسازد (صادقی، ۱۳۸۴: ۸۷). در حوزه آزمایش‌ها و غربالگری‌ها و مشاوره‌های ژنتیکی داده ژنتیکی در فهم منشأ و علل بیماری‌های چندعاملی، درمان بیماری‌های که در گذشته لاعلاج فرض می‌شدند کاربرد دارد (اردکانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در حوزه قضائی از داده‌های ژنومی انسان در شناسایی مجرمین، رهایی افراد بی‌گناه متهم به جنایت و شناسایی قربانیان حوادث و جنایات، تشخیص والدین و ارتباطات فامیلی افراد (میر هاشمی، ۱۳۹۶: ۷۴) در حوزه جمعیت‌شناختی در درک سرشت و محتوای دگرگونی ژنتیکی در یک جمعیت و اقوام مختلف و حفظ گونه‌های مختلف ژنتیک انسانی استفاده می‌گردد (ساعد، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

۳-۲- تبعیض ژنتیکی

تبعیض ژنتیکی شکل نوینی از تبعیض اجتماعی است که با استناد به منشأ ژنتیکی، به انکار حقوق، مزایا و یا فرصت‌های برابر افراد جامعه می‌انجامد (محمودی، ۱۳۹۸: ۹۷). این نوع تبعیض معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که فردی با ویژگی ژنتیکی خاص، نسبت به دیگران در وضعیت مشابه قرار دارد (کد جزای فرانسه، ۱-۲۲۵). تبعیض ژنتیکی می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله حق دسترسی به فرصت‌های شغلی، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی، آزادی رفت‌وآمد و مهاجرت، حفظ حریم خصوصی و محرمانگی اطلاعات فردی، و همچنین برخورداری برابر از امکانات رفاهی در جامعه بروز یابد (عباسی، حیدری و قیارلو، ۱۳۹۵: ۶۶).

۲- جرم انگاری تبعیض ژنتیکی

اعلامیه بیلپائو ۱۹۹۳ به عنوان نخستین سند بین‌المللی، سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی برای تبعیض را ممنوع اعلام کرده و در ماده ۵ استفاده از این اطلاعات برای تبعیض در اشتغال، بیمه یا دیگر حوزه‌ها را تقبیح کرده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر ۱۹۹۷ تمامی شکل‌های تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را منع می‌کند. ماده ۶ این اعلامیه مقرر نموده است که هیچ‌کس نباید بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی در معرض تبعیضی قرار گیرد که هدف آن یا تأثیر آن نادیده گرفتن حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت انسانی است. اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی مصوب ۲۰۰۳ نیز در بند الف ماده ۷ ممنوعیت استفاده از داده‌های ژنتیک انسانی و پروتئومیک^۳ برای اهداف تبعیض‌آمیز، نقض حقوق بشر یا کرامت انسانی تأکید کرده و خواستار اقدام‌های لازم برای جلوگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی شده است. این اقدامات باید مانع بدنام‌سازی افراد، خانواده‌ها یا اجتماعات شوند و حقوق بنیادین تضمین گردد. دو قطعنامه شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل در زمینه حفظ حریم خصوصی و عدم تبعیض تأکید دارند که جلوگیری از تبعیض بر اساس اطلاعات ژنتیکی ضروری بوده و اقدام‌های مؤثری برای تحقق این هدف باید انجام شود. در اسناد اروپایی، ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق بشر و منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا بر ممنوعیت تبعیض ژنتیکی تأکید دارند. ماده ۲ منشور نیز به ضرورت جلوگیری از روش‌های انتخاب افراد بر اساس نژاد، اشاره دارد.

^۳ Proteomics: پروتئین‌های تولیدشده در سلول‌های انسانی، که در تشخیص زودهنگام بیماری‌ها، و توسعه داروهای هدفمند کاربرد دارد

با وجود تأکید جهانی بر قبح تبعیض ژنتیکی در اعلامیه‌های بین‌المللی تا کنون کنوانسیون الزام آور بین‌المللی در این زمینه ایجاد نگردیده است؛ تنها کنوانسیون منطقه اویدو (۱۹۹۷) در ماده ۱۱ به صراحت هرگونه تبعیض ژنتیکی را ممنوع کرده است. اعضای این کنوانسیون موظف شده‌اند حمایت قضایی مناسبی برای مقابله با نقض حقوق و اصول مندرج در این کنوانسیون فراهم کنند.

در سطح بین‌المللی برخی کشورها به دلیل سوء استفاده از داده‌های ژنومی انسان منع تبعیض ژنتیکی به صورت جدی‌تر دنبال شده است. در آمریکا مطالعاتی که توسط دفتر ارزیابی تکنولوژی کنگره آمریکا در سال ۱۹۷۰ انجام شده است، نشان می‌دهد در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی مدیران و کارفرمایانی که مسئول هزینه‌های پزشکی کارمندان می‌باشند، انگیزه قوی دارند که افراد مستعد به بیماری‌های ژنتیکی را استخدام نکنند یا حتی از کار اخراج نمایند (محمودی، ۱۳۹۸: ۸۷). در فوریه سال ۲۰۰۱ در آمریکا اولین دعوی در زمینه تبعیض در اشتغال با منشأ ژنتیکی علیه شرکت راه‌آهن برلینگتون سانتافه شمالی اقامه گردید. این شرکت برای خودداری کردن از پرداخت هزینه‌های درمانی کارگران مشکوک به بیماری یا از کارافتادگی، کارکنان خود را به‌طور مخفیانه توسط پزشکان شرکت مورد آزمایش ژنتیکی قرار داد. در زمینه حق بیمه و سلامت برخی از شرکت‌های بیمه با استناد به نتایج آزمایش‌های ژنتیکی حق بیمه‌های زیادتری را برای بیمه‌گذاران تعیین می‌کردند. دولت فدرال در سال ۲۰۰۰ میلادی برای مقابله با این پدیده لایحه‌ای را در منع استفاده شرکت‌های بیمه و بهداشتی از اطلاعات ژنتیک در تصمیم و تعیین حق بیمه ارائه نمود (محمودی، ۱۳۹۸: ۸۷). با تصویب قانون عدم تبعیض اطلاعات ژنتیکی در سال ۲۰۰۸، کارفرمایان از آزمایش ژنتیکی

کارکنان و شرکت‌های بیمه از افزایش نرخ بیمه بر اساس اطلاعات ژنتیکی افراد ممنوع شدند.

بر اساس ماده ۲۲۵-۲ قانون جزای فرانسه، اعمال تبعیض ژنتیکی نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی، در صورتی که به جلوگیری از ارائه کالا یا خدمات، یا مانع‌تراشی در روند استخدام، تنبیه یا اخراج افراد بینجامد، مستوجب مجازات سه سال حبس و پرداخت جریمه‌ای معادل ۴۵'۰۰۰ یورو خواهد بود.

مطابق ماده ۳-۲۲۵ قانون جزای فرانسه، تبعیض بر اساس وضعیت سلامتی اگر بر اساس آزمون‌های ژنتیکی پیش‌بینی کننده مرتبط با بیماری که هنوز آغاز نشده است یا تمایل ژنتیکی به بیماری باشد، این تبعیض توسط مجازات مقرر در ماده قبلی مجازات می‌شود.

در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت اشاره‌ای به جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی نشده است. با این حال، طبق ماده (۲) از دستورالعمل اخلاقی پژوهش‌های ژنتیکی مصوب سال ۱۳۹۲، انجام تحقیقات ژنتیکی با هدف ایجاد تبعیض نژادی یا استفاده از داده‌های ژنتیکی برای تبعیض‌گذاری یا انگ‌زنی نسبت به فرد، خانواده یا جامعه، ممنوع اعلام شده است.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات افشای اسرار و اطلاعات را در غیر موارد قانونی دارای ممنوعیت کیفری اعلام کرده است. می‌توان ادعا کرد اطلاعات ژنتیکی نیز از مصادیق این اطلاعات به شمار می‌آید، اگر افشای اطلاعات در موارد غیرقانونی دارای ممنوعیت کیفری است، استفاده از این اطلاعات در موارد غیرقانونی، از جمله اعمال تبعیض ژنتیکی، به طریق اولی ممنوع است.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، افشای اسرار و اطلاعات را خارج از موارد مقرر قانونی، جرم‌انگاری کرده است. با توجه به این حکم، می‌توان اطلاعات ژنتیکی را نیز از

جمله مصادیق اسرار تلقی کرد. بنابراین، چنانچه افشای این اطلاعات در خارج از چارچوب قانونی ممنوع و قابل تعقیب کیفری است، به طریق اولی، بهره‌برداری غیرقانونی از این اطلاعات در قالب تبعیض ژنتیکی، نیز ممنوع خواهد بود. با توجه به اصل تفسیر مضیق در قوانین کیفری، نمی‌توان صرفاً با استناد به اولویت یا قیاس، مجازات مقرر در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی را بر فردی که مرتکب تبعیض ژنتیکی شده است، اعمال کرد.

۳- مبانی حقوقی جرم انگاری تبعیض ژنتیکی

جرم‌انگاری به معنای محدود کردن آزادی و حقوق افراد با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۹۰)، نیازمند توجیه منطقی است. مبانی جرم‌انگاری به ارائه دلایل قانع‌کننده و پاسخ به چرایی این اقدام می‌پردازد (اصفهان‌ی؛ رئیسی و آرشی پور، ۱۳۹۹: ۲۷۳). هرچند از نظر حقوقی می‌توان جرم‌انگاری رفتاری مانند تبعیض ژنتیکی را بر پایه اصول حقوقی مانند اصل ضرر توجیه کرد، اما به نظر جانانان شنشک، از فیلسوفان حقوق کیفری، صرف انطباق یک رفتار با اصول حقوقی برای توجیه جرم‌انگاری آن کافی نیست بلکه جرم‌انگاری یک رفتار زمانی موجه می‌گردد که از سه فیلتر (صافی) متمایز عبور نماید. عدم توانایی در عبور از هر فیلتر به این معناست که نمی‌توان به‌طور موجه آن رفتار را جرم‌انگاری کرد. در ادامه، این سه فیلتر در توجیه جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳- فیلتر اصول

در فیلتر اصول باید نشان داد که تبعیض ژنتیکی ذیل یکی از اصول محدودکننده آزادی قرار می‌گیرد. فاینبرگ چهار اصل «آسیب»، «توهین»، «پدرسالاری» و «اخلاق‌گرایی» را به‌عنوان

اصول محدودکننده آزادی شناسایی کرده است (Feinberg, ۱۹۸۷:۳۱). جاناتان شنشک، فیلسوف حقوق کیفری لیبرال، اصول «پدرسالاری حقوقی» و «اخلاق‌گرایی» را به‌عنوان اصول اقتدار دولتی و محدودیت‌کننده آزادی نمی‌پذیرد؛ زیرا این اصول مداخله غیرقابل‌اغماض دولت را در زندگی خصوصی شهروندان فراهم می‌نماید و اصول محدودکننده آزادی را در اصل آسیب و اصل «توهین» محدود می‌داند، زمانی که یک «رفتار غیراخلاقی» نظم عمومی و اخلاقی جامعه را مختل و احساسات متعارف اجتماع را جریحه‌دار می‌کند، یا موجب آسیب و ناخوشایندی شدید به دیگران می‌گردد و از طریق ابزارهای غیر کیفری و کنترل اجتماعی نتوان جلو آن را گرفت، می‌توان مطابق با اصل «آسیب» به‌عنوان جرم، قابل مجازات اعلام نمود (Schonscheck, ۱۹۹۴: ۱۵۵).

۳-۱-۱- اصل ضرر

فاینبرگ، اصل ضرر را که ریشه در نظریه جان استوارت میل دارد، یکی از اصول مهم محدودکننده آزادی می‌داند. او سه مفهوم «ضرر» یعنی خسارت، صدمه به منافع و ارتکاب خطا را مورد توجه قرار داده و معتقد است ضرری که قابلیت توجیه جرم‌انگاری دارد، باید ترکیبی از صدمه به منافع و ارتکاب خطا باشد (Feinberg, ۱۹۸۷:۳۶). فاینبرگ ایجاد ناخوشایندی شدید برای دیگران را در حکم ضرر تلقی می‌نماید. البته زمانی جرم شناختن یک رفتار برای جلوگیری از ناخوشایندی شدید، موجه است که شدت ناخوشایندی با توجه به میزان، کیفیت و حدت آن، شدید تلقی شود (Feinberg, ۱۹۷۳:۲۶). باسیل میچل، مفهوم ضرر را فراتر از آسیب جسمی به موارد نظیر «بی‌عفتی عمومی» گسترش می‌دهد و تأکید دارد که جامعه باید از شهروندان در برابر آسیب‌ها و ضررهای واقعی محافظت کند. او بر این باور است که نه هر پریشانی مضر است و نه هر ضرر موجه‌کننده مجازات تنها ضررهای

قابل توجهی که توجیه خفت و خواری ناشی از مجازات رادارند، اهمیت دارد (Mitchel, ۱۹۷۰: ۴۵).

بر اساس تبیین مفهومی «ضرر» که فاینبرگ برای جرم‌انگاری ارائه می‌دهد، تبعیض ژنتیکی می‌تواند نقض مستقیم یا غیرمستقیم منافع دیگران را در پی داشته باشد. تبعیض سبب اخراج یا عدم استخدام افراد در محیط کار می‌گردد. در حوزه بیمه و سلامت، موجب افزایش هزینه‌های بیمه یا محرومیت از خدمات بیمه می‌شود. همچنین، بدنای ناشی از ویژگی‌های خاص ژنتیکی ممکن است به هویت خانوادگی و گروهی افراد آسیب برساند. رفتارهای تبعیض‌آمیز مبتنی بر اطلاعات ژنتیکی، مانند طرد یا انزوا، به احساسات و عواطف قربانیان لطمه وارد می‌کند. این آسیب‌ها، بر اساس ویژگی‌هایی صورت می‌گیرد که نظیر قومیت یا جنسیت، خارج از کنترل افراد بوده و به انتخاب آن‌ها بستگی ندارد (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۵). بر اساس این اصل، دولت حق دارد در رفتارهای تبعیض‌آمیز با منشأ ژنتیکی که به منافع دیگران صدمه مستقیم یا غیرمستقیم وارد می‌نماید مداخله کند. با این حال، جانانان شنشک صرف ایجاد ضرر به منافع دیگران را برای جرم‌انگاری کافی نمی‌داند. او اصل ضرر را به‌عنوان روش توازن در تصمیم‌گیری برای جرم‌انگاری و محدود کننده آزادی افراد توضیح می‌دهد، بر ترجیح آسیب‌های ناشی از یک رفتار بر منافع آن تأکید می‌کند. این ترجیح به مبانی فرهنگی و مذهبی دولت‌ها و گروه‌های حاکم وابسته است. در جوامعی که گروه‌های منفعت‌طلب حاکم هستند، ممکن است منافع مرتبط با داده‌های ژنتیکی را ترجیح داده و مداخله دولت در محدودسازی رفتارهای تبعیض‌آمیز ژنتیکی را ناموجه بدانند.

۳-۱-۲- اصل پدرسالاری

اصل پدرسالاری حقوقی از اصولی است که می‌تواند جرم‌انگاری را توجیه کند، هرچند فیلسوفان لیبرال حقوق کیفری نظیر فاینبرگ و جاناتان شنشک، آن را به‌عنوان محدودکننده آزادی نمی‌پذیرند. فاینبرگ این معنی از پدرسالاری حقوقی را که افراد بزرگ جامعه مانند کودکان فرض شوند که نیاز به محافظت دارند توهین و تحقیرآمیز می‌داند. در نهایت این معنی از پدرسالاری حقوقی را می‌پذیرد که دولت وظیفه مراقبت از کسانی که قادر به حفاظت از خود نیستند را دارد. این وظیفه شامل حفظ جان افراد در برابر خطرات داخلی و خارجی می‌شود. دولت باید شهروندان را در برابر آسیب‌های دیگران یا خودشان موردحمایت قرار داده و مسئول حفظ و مراقبت آن‌ها باشد (Feinberg, ۱۹۸۶: ۳).

دولت بر اساس رویکرد پدرسالاری حقوقی، خود را برتر از شهروندان دانسته و به‌عنوان خیرخواه، آزادی افراد را برای پیشگیری از آسیب، به‌منظور مصلحت آن‌ها محدود می‌کند. فاینبرگ تفاوت بین «اصل آسیب» و «پدرسالاری حقوقی» را در اهمیت رضایت شخص می‌بیند، در اصل آسیب رضایت فرد می‌تواند مسئولیت کیفری را معاف کند، اما در پدرسالاری حقوقی، رضایت شخص اعتبار ندارد و دولت برای خیر و مصلحت شهروندان، آزادی آن‌ها را محدود می‌کند (Feinberg, ۱۹۸۶: ۲۱).

بر مبنای این اصل، افراد نمی‌توانند با استناد به رضایت خویش، به تبعیض ژنتیکی که به منافع آن‌ها آسیب وارد می‌کند، تن دهند یا دیگران با رضایت صاحبان اطلاعات ژنتیکی رفتارهای تبعیض‌آمیز را توجیه کنند. تبعیض ژنتیکی به‌طور مستقیم کرامت انسانی را نقض کرده و انسان را به‌عنوان وسیله‌ای برای اهداف دیگر تلقی می‌کند که تمام جامعه از این آسیب متضرر می‌شوند. به همین جهت در اسناد بین‌المللی مرتبط با ژنوم انسانی کرامت انسانی

اصطلاح مهم شمرده شده است. این اصطلاح در اعلامیه جهانی ژنوم و حقوق انسانی یونسکو بیش از پانزده بار تکرار شده است که نمونه‌ای بی‌سابقه در اسناد بین‌المللی قبلی است. در بخش‌هایی از اعلامیه جهانی داده‌های ژنتیک انسان، به رعایت کرامت انسانی تأکید و تصریح شده است. از این رو، مداخله دولت برای محدود کردن رفتارهای تبعیض‌آمیز مبتنی بر منشأ ژنتیکی، برای حفاظت از کرامت انسانی، امری ضروری و قابل توجیه است. کرامت انسانی برتر از آزادی اراده است، افراد نمی‌توانند به تبعیض ژنتیکی که کرامت انسان را مخدوش می‌سازد، رضایت دهند (نوبهار، ۱۳۸۳: ۸۹).

۳-۱-۳- اصل اخلاق‌گرایی

اخلاق‌گرایی حقوقی از دیگر اصول جرم‌انگاری است به دولت حق مداخله می‌دهد که برای حفاظت از ارزش‌های اخلاقی جامعه، رفتارهای ناسازگار با این ارزش‌ها را جرم‌انگاری کند. این اصل بر این فرض استوار است که قوانین نه‌تنها برای محافظت از افراد در برابر آسیب‌های مادی بلکه برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی باید تنظیم شوند، حتی اگر یک رفتار آسیبی مستقیم به دیگران وارد نکند اما منجر به انحطاط اخلاقی شود، می‌تواند مشمول جرم‌انگاری شود (Feinberg, ۱۹۸۸: ۶). اگرچه اندیشه‌های لیبرالیستی قرون اخیر در جوامع غربی گرایش به سمت حمایت حداقلی از اخلاقیات دارد اما نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقهی مانند «التعزیر لکل عمل محرم» و مشروح مذاکرات مجالس قانون‌گذاری بنا، بر حمایت بیشتر از ارزش‌های اخلاقی دارد. بر این اساس برای تصویب یک رفتار در قالب جرم، صرف اثبات این مطلب که در شریعت اسلام و فقه امامی رفتار مذکور دارای قید حرام هست کافی است و نیاز به دلیل دیگر ندارد (عزیزی و مهدوی ثابت، ۱۳۹۷: ۱۵).

۲۵۵). جرم انگاری تبعیض ژنتیکی به عنوان رفتار ناقض کرامت انسانی بر مبنای اصل اخلاق‌گرای حقوقی نیز قابل توجیه است؛ زیرا انسان به خاطر انسان بودنش دارای شایستگی و ارزش است، هیچ عواملی نمی‌تواند این شایستگی و ارزش را نقض نماید.

۲-۳- فیلتر پیش فرض‌ها

در فیلتر فرضیات باید بررسی شود که آیا اقدام دولتی یا غیردولتی مؤثری برای کاهش وقوع این رفتار وجود دارد که از نظر هزینه و میزان مداخله کمتر از جرم‌انگاری باشد. اگر مطالعات نشان دهند که چنین اقداماتی به‌طور قابل توجهی در کاهش وقوع رفتار یا پیامدهای منفی رفتار مؤثر هستند، جرم‌انگاری از فیلتر فرضیات عبور نمی‌کند؛ زیرا هنگامی که روش‌های کم‌هزینه‌تر و با مداخله کمتر وجود دارند، درگیر کردن نظام عدالت کیفری از جمله پلیس، دادستان و دادگاه که هزینه‌بر و همراه با اجبار بیشتر است، توجیه ندارد. از این‌رو، قانون‌گذار باید دقیقاً بررسی کند که چگونه می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت، به نحوی که به جامعه آزادتر منجر شود و شهروندان را از بی‌حرمتی‌های ناشی از دستگیری، هزینه‌های دفاع، پیامدهای زندان و دشواری‌های اثبات جرم مصون نگه دارد (Schonscheck, ۱۹۹۴: ۶۵).

ارزیابی جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی در فیلتر فرضیات نشان می‌دهد که اقدامات مبتنی بر توصیه‌ها و الزامات اخلاقی به دلیل عدم وجود ضمانت اجرای عملی، کارایی لازم را ندارند. اسناد بین‌المللی مرتبط با ژنتیک انسان، مانند اعلامیه بیلپائو، اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر، اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر و همچنین راهنمای اخلاقی پژوهش‌های ژنتیک پزشکی (۱۳۹۲) در ایران، به ارائه توصیه‌ها و الزامات اخلاقی در این حوزه پرداخته‌اند. این توصیه‌ها به‌آسانی توسط افراد و گروه‌هایی که به دنبال منافع خویش هستند، نادیده گرفته می‌شود. اقدام نظارتی و ضمانت

اجرای مدنی نیز در مقابله با تبعیض ژنتیکی کارایی کافی ندارد؛ زیرا دسترسی به داده‌های ژنومی بدون نظارت دولت ممکن است و در مواردی مانند برچسب‌زنی اجتماعی، استفاده از ضمانت‌های مدنی در قالب پرداخت خسارت ممکن نیست. از این رو، تدابیر غیرکیفری نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای ضمانت‌های اجرای کیفری باشند؛ چراکه پاسخ کیفری با تجسم سرزنش اجتماعی و برخورداری از قدرت بازدارندگی، مؤثرترین ابزار حمایت از حقوق افراد در برابر تبعیض ژنتیکی تلقی می‌شود.

۳-۳- فیلتر پیامدها

در فیلتر پیامدها، ارزیابی علی جرم‌انگاری یک رفتار مورد توجه قرار می‌گیرد. هرچند جرم‌انگاری می‌تواند فوایدی داشته باشد، اما ممکن است پیامدهای منفی نیز به همراه داشته باشد که برخی فوری و آشکار و برخی دیگر بلندمدت و غیر آشکار هستند. قانون‌گذار باید با دقت این پیامدها را پیش‌بینی کرده و تحلیل هزینه و فایده انجام دهد. نتیجه این تحلیل ممکن است نشان دهد که جرم‌انگاری نه تنها مفید نیست بلکه می‌تواند زیان‌بارتر از عدم ممنوعیت باشد مگر آنکه منافع چنین مقرراتی از هزینه‌های آن بیشتر باشد. اگر قانون‌گذار در شناسایی و ارزیابی عواقب عملی اجرای قوانین کیفری ناکام بماند، نمی‌تواند اجبار و مداخله کیفری را توجیه کند. البته نمی‌توان تمام عواقب احتمالی قوانین کیفری را به‌طور کامل فهرست کرد. هدف شناسایی برخی عواقب منفی و هزینه‌هایی است که در برابر ممنوعیت کیفری مقاومت می‌کنند (Schonscheck, ۱۹۹۴:۶۸).

در تحلیل هزینه و فایده جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی ممکن است استدلال شود که داده‌های ژنومی نقش مهمی در تحقیقات علمی و بهداشتی دارند و جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی می‌تواند به کاهش تمایل پژوهشگران به انجام پژوهش‌های ژنتیکی و در نتیجه رکود علمی منجر شود.

با این حال، باید توجه داشت که هدف اصلی جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی، پیشگیری از سوءاستفاده از داده‌های ژنومی انسان است و چنین اقدامی مانعی برای کاربردهای مثبت در تحقیقات علمی ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، تبعیض ژنتیکی منجر به نقض حقوق بشر و افزایش نگرانی‌های مرتبط با آن می‌شود. استفاده از ضمانت اجرایی کیفری، این پیام را به جامعه منتقل می‌کند که ارزش و منفعت اجتماعی داده‌های ژنومی در تحقیقات، نمی‌تواند بهانه‌ای برای نقض استقلال، تمامیت جسمانی و حقوق اساسی افراد باشد. بنابراین، جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی، هم در حمایت از حقوق بشر و هم در تأکید بر استفاده اخلاقی از داده‌های ژنومی، نقشی اساسی ایفا می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۰: ۲۷۱).

۴- مبانی فقهی جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی

سوء از اطلاعات ژنتیکی در راستای ایجاد تبعیض ژنتیکی، از مسائل مستحدث فقهی محسوب می‌گردد. حکم آن به‌طور دقیق در منابع فقهی مشخص نشده است. از این رو، برای تعیین حکم شرعی در این خصوص، باید به اصول و قواعد کلی فقهی مراجعه کرده و با اتکا به آن‌ها، حکم مسئله را استنباط کرد.

۱-۴- اصل سلطنت

سلطنت در لغت به قدرت، غلبه و توانایی بر یک شیء آمده است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ۳: ۹۵). سلطنت تکوینی انسان بر بدن، به این معنا که حرکات و فعالیت‌های بدن انسان تحت اختیار و اراده او قرار دارد امر بدیهی و وجدانی است. برخی فقها مفهوم سلطنت به معنای اعتبار سلطه انسان بر بدن خود، که از سوی شارع یا عقلا پذیرفته شده باشد (خویی، بی تا: ج ۲، ص ۲۰)، را رد کرده‌اند. دلیل آن را در این می‌دانند که خداوند متعال، مالک حقیقی و مطلق هستی

و انسان است و در نتیجه، هیچ‌گونه سلطنت اعتباری برای انسان وجود ندارد مگر آن‌چه که مستند به اراده خالق باشد؛ درحالی‌که برای چنین اعتباری، مستندی در شرع وجود ندارد (محسنی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۱۸۳). بسیاری از فقها بر اساس دلایل متعدد، از جمله حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم و علی انفسهم» (احسائی، ۱۴۰۵، ۱: ۲۲۲)، سلطنت انسان بر بدن و اجزای آن را پذیرفته‌اند. علی‌رغم مرسله بودن این حدیث، فقهای متقدم و متأخر به مضمون آن عمل کرده و آن را مورد استناد قرار داده‌اند، به‌گونه‌ای که از شعارهای اسلامی محسوب می‌شود و نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت (علیدوست، ۱۳۹۸: ۴۰). هرچند عبارت «علی انفسهم» در متون روایی نیامده است (مجلسی، بی تا ص ۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ هـ ق، ج ۲: ۳۶)، فقها با قیاس اولویت، سلطنت انسان بر نفس را از این روایت استنباط کرده‌اند (فیاض، ۱۴۲۶ هـ ق: ۲۴۳). از آنجاکه سلطنت بر مال جزء لواحق سلطنت بر نفس است و سلطنت انسان بر نفس و اعضای بدن شدیدتر از سلطنت بر اموال هست، اگر فرد بر اموال خود سلطنت کامل داشته باشد، به‌طریق اولی بر نفس و اعضای خود نیز چنین سلطه‌ای خواهد داشت (دانشفر و همکاران، ۱۴۰۱). سیره عقلا نیز بر سلطنت شخص بر بدن، اعضاء و جوارحشان است. همان‌گونه که دیگران بر اموال شخص بدون اذن حق تصرف ندارند. در بدن، اعضا و بافت‌ها و حتی اعضاء و بافت‌های جداشده شخص نیز حق تصرف ندارند. (خمینی، ۱۴۱۸ هـ ق، ج ۱: ۴۲).

از آنجاکه تبعیض ژنتیکی بر پایه دسترسی به اطلاعات ژنومی افراد استوار است، افراد بر اساس عموم و اطلاق دلیل سلطنت بر توابع بدن خود، از جمله اطلاعات ژنومی استخراج‌شده از بافت‌های بدنشان، حق تسلط دارند. در حدیث نبوی، محمول به شکل جمع بیان شده و معنای عموم را می‌رساند. میان دو عبارت «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» و «الناس لهم

السلطنه علی اموالهم و أنفسهم» تفاوت وجود دارد؛ در اولی، به کثرت طبیعت و تمامی افراد اشاره شده و در دومی، نفس طبیعت محمول قرار گرفته است (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۲). همچنین، برخی علما حذف متعلق در حدیث نبوی را نشانه‌ای از عموم دانسته‌اند، مگر آنکه دلیل معتبری این عموم را محدود کند (کوه کمری، ۱۴۰۹: ۹۳). طبق ارتکاز عقلائی سلطنت بر شیء شامل تسلط انسان بر توابع آن نیز می‌شود، این تسلط حتی پس از استخراج اطلاعات ژنومی از بدن، با استصحاب بقاء سلطنت قابل اثبات است. بنابراین افراد بر داده‌های ژنومی استخراج شده از بدنشان نیز سلطه دارند، دسترسی اشخاص ثالث به این اطلاعات بدون رضایت افراد جایز نیست. همچنین، اگر این دسترسی همراه با تجسس باشد، شامل اطلاق حرمت تجسس می‌شود. حرمت تجسس برای دسترسی به اطلاعات ژنومی افراد، به روشنی از مذاق شریعت قابل استنباط است؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن آیاتی درباره غیبت و افشای اسرار، روایاتی در مورد امانت‌داری در مجالس، و نیز احکام مربوط به حرمت نگاه به فضای خصوصی خانه‌ها—تا جایی که اگر شخصی از بیرون به خانه‌ای نگاه کند، صاحب‌خانه حتی می‌تواند به چشم او آسیب بزند—به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت که جست‌وجوی مخفیانه در داده‌های ژنتیکی نیز شرعاً ممنوع است. زیرا اطلاعات ژنتیکی و ژنومی افراد حاوی اطلاعات وسیعی با ماهیت شخصی و هویت خانوادگی و فامیلی، قومی، نژادی و ملی که قدرت پیش‌بینی و ارائه چشم‌انداز پزشکی و سلامتی را دارد و احتمال سوءاستفاده از آن اطلاعات در حیطه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و برچسب‌زنی‌های اجتماعی و اختلاف طبقات اجتماعی که باعث انگ‌گذاری و بدنامی افراد، خانواده، گروه یا جامعه می‌گردد، وجود دارد. اطلاق آیه «لاتجسسوا» در حرمت تجسس میان این که انسان این اطلاعات را به چه هدفی کسب کند تفاوت نمی‌گذارد. صرف آگاهی بر اسرار دیگران، حرام و قبیح است و سوءاستفاده از آن حرمت

جداگانه دارد (نوبهار، ۱۳۸۳). اطلاق واژه‌ها و تعابیر عامی چون «غیر»، «قوم» و «ناس» در آیات و روایاتی که بر حرمت تجسس دلالت دارند -از جمله آیه «لاتجسسوا»- نشان می‌دهد که ممنوعیت تجسس محدود به مسلمانان نیست، بلکه شامل همه انسان‌ها می‌شود.

۲-۴- اصل حرمت اضرار

ضرر در لغت به معنای نقص (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷: ۷) یا ضد نفع (جوهری، ۱۴۱۰: ۳۶۰) است. دو رویکرد اصلی در تبیین مفهوم ضرر وجود دارد: یکی معتقد است که نقص به‌تنهایی برای تحقق مفهوم ضرر کافی است و نیازی به غرض عقلایی ندارد. دیگری بر این باور است که ضرر زمانی محقق می‌شود که نقص بدون هدف عقلایی رخ دهد؛ اگر نقص همراه باهدف و غرض عقلایی باشد، دیگر ضرر محسوب نمی‌شود (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۱۱). در متون فقهی، بر اساس آیات و روایات، از کارهایی که موجب جراحت، آسیب شدید به بدن، هلاکت نفس یا ضرر به دیگران می‌شوند، نهی شده است (پور ابراهیم، ۱۳۹۸: ۳۹). حرمت جان، مال و شخصیت انسان نزد شارع امری مسلم است و شارع با توجه به ظرفیت‌های انسانی، احکامی که موجب زیان انسان گردد را تشریح نکرده است. بر اساس آیه مبارکه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره، ۱۹۵)؛ یعنی با دست خود، خود را به هلاکت نیندازید، تحقق فعل و عملی از سوی مکلف که به از بین رفتن نیرو و نابودی جان انسان منجر شود، مشمول حکم صریح تحریم آیه قرار خواهد گرفت، زیرا هلاکت در آیه مذکور - که موضوع نهی از القای نفس در آن قرار گرفته است - عام است و شامل هر نوع هلاکت و ضرری است که متوجه نفس شود، اعم از آنکه به مرگ انسان می‌انجامد یا نمی‌انجامد (بحرانی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۱۸) لذا با توجه به اطلاق آیه هر رفتاری که زمینه نابودی و هلاکت نفس را فراهم آورد، حرام است مگر آنکه ضرری غیر معتنابه ایجاد شود که از نظر عرف نابودکننده نباشد. در روایتی مفضل بن عمر از امام صادق (ع) «وَعَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاؤُهُمْ عَنْهُ وَ حَرَمَهُ»

عَلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۲) نیز ظاهر روایت، علت حرمت محرمات در روایت اضرار است. معلوم می شود اضرار اعم از اینکه به خود باشد یا دیگری نزد شارع امر مبغوض است. حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» که در ابواب مختلف حدیثی آمده (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹۳)، از نظر سندی مشکل ندارد. از مجموع روایات اطمینان بر صدور این حدیث حاصل می شود، با این تقریب که یک جمله خبری است و در مقام اخبار حقیقی از عدم وجود ضرر نیست، بلکه ناشی از ادعای نبود ضرر است، نیز می توان حرمت اضرار به خود را اثبات کرد چراکه عدم رضایت شارع از تحقق ضرر و ضرار در خارج به اندازه ای است که اصلاً وجودی برای آن ها نمی بیند. بی شک، این نحوه تفسیر از این جمله در اثبات نارضایتی شارع از وجود ضرر و ضرار، بسیار رساتر از ممنوعیت مستقیم از آن ها و تحریم آن ها است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱). بنابراین آسیب زدن به خود، مانند آسیب زدن به دیگران از نظر شرعی حرام و ممنوع است؛ زیرا اگر آسیب زدن به خود از نظر شرعی ممنوع نباشد، به این ترتیب ضرر در خارج واقعیت پیدا می کند و این با ادعا و اخباری که عدم وجود ضرر در خارج را اعلام می کند، منافات دارد. از روایت از طلحه بن زید از امام صادق (ع) که در آن همسایه را به نفس تشبیه کرده و آسیب زدن به او را غیرمجاز می داند: «إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مَضَارٍّ وَلَا آثِمٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵: ۴۲۸). حرمت به خود را اثبات کرد، زیرا اضرار به غیر مثل اضرار به نفس غیرمجاز دانسته شده است.

مطابق اصل حرمت اضرار استفاده از اطلاعات ژنومی افراد در راستای تبعیض ژنتیکی که اضرار به افراد و نوع انسانی محسوب می گردد، جایز نیست. اطلاق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ». (مائده، ۱۰۱) بیانگر آن است که هر امری که اطلاع بر آن موجب رنج و زیان گردد پرسش و تفحص از آن جایز نیست. کلمه «ساء» به معنی بدحال کردن و در نتیجه «تسؤکم» به معنی «تحرزنکم» هست. اگرچه به نظر برخی مراد از «اشیاء» به قرینه ذیل آیه چیزهای است که شریعت در مورد آن ها ساکت است در صورتی که در مورد

آن‌ها استفتاء کنید، موجب وجوب تکالیفی شاق و سنگین بر شما خواهند بود (میر هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). اما عبارت «إِنْ تُبَدَلْ لَكُمْ تَسْوَأٌ» که به صورت جمله شرطیه و در مقام بیان علت آمده، به طور مطلق وصفی برای واژه «اشیاء» محسوب می‌شود و بر این نکته دلالت دارد که آگاهی از هر نوع امری، صرف نظر از ماهیت آن، موجب ناراحتی و اندوه می‌گردد. بر همین اساس بر پایه نقلی این آیه درباره‌ی مردی نازل شده است که نسب او به پدرش محل شک و تردید بود و می‌خواست با پرسش از پیامبر (ص) این ابهام را برطرف سازد (طوسی، بی تا: ۴: ۳۶). مطابق اطلاق این آیه در دست‌یابی به اطلاعات ژنومی افراد که موجب رنج و زیان برای آنان می‌گردد، نمی‌توان اقدام به آزمایش‌های ژنتیکی کرد و افراد نیز با آگاهی از مضرات و خطرات داده‌های ژنومی از باب حرمت اضرار به خویش مجاز به شرکت در این‌گونه آزمایش‌ها نخواهد بود (محسنی، ۱۴۲۴، ۲: ۱۳). البته اطلاق ادله از آزمایش‌های ژنتیکی که بر روی فرد به لحاظ طبی و دارویی برای تشخیص دقیق نوع بیماری، درمان و مدیریت عوارض بیماری انجام می‌شود، منصرف است علاوه بر آن ادله درمان نیز مقتضی جواز درمان همراه با احتمال ضرر است (نجفی، بی تا: ۷ و ۹). اگر ضرر و زیان که بر اثر اقدامات درمانی ایجاد می‌گردد، پزشک مسئول نبوده و از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود (لنکرانی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹۱).

۳-۴- اصل کرامت

کرامت همان جوهره ذاتی انسان که در آفرینش و سرشت انسان تنیده شده است خصوصیات مانند نفخ روح، فطرت، قدرت بر تعقل، آفرینندگی، اختیار و آزادی، قدرت تعلیم و درک حقایق، صورت انسانی، از مؤلفه‌های اساسی آن شمرده می‌شود و به انسان جایگاه والایی در میان پدیده‌های این جهان بخشیده است. آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» در

مقام منت نهادن همراه با سرزنش، اشاره به ارزش ذاتی جنس بشر دارد. مفهوم تکریم نیز یک مفهوم نفسی است شخص مورد تکریم از جهت آن خصوصیت که در خود اوست شرافت و کرامت پیدا می‌کند در مقابل تفضیل که برتری شخص مورد تفضیل نسبت به دیگران موردنظر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۱۵). سجده فرشتگان بر آدم نیز به سبب همین کرامت وجودی انسان است که در کلام امیرالمؤمنین (ع) مورد اشاره قرار گرفته است (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۴۲). در منشور حکومتی آن حضرت به مالک اشتر تساوی در خلقت به لحاظ اینکه مانند شما انسان است، علت رعایت حقوق آنان از جانب حضرت معرفی شده است به آن جهت که انسان است، کریم و شایسته‌ی رفتار کریمانه است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). برخی فقها کرامت انسانی را به‌عنوان حکمت حکم تلقی کرده و حکم را مقید به کرامت ندانسته‌اند و در مواردی که حکمی با کرامت انسان ناسازگار باشد، نمی‌توان آن را رد کرد. دسته دیگر، کرامت انسان را حکم مجعول در کنار سایر احکام شرعی دانسته و بر حفظ کرامت یکدیگر تأکید کرده‌اند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۵). گروهی نیز کرامت را به‌عنوان یک قاعده در نظر گرفته‌اند که از آن می‌توان احکام شرعی را استنباط کرد (مطهری، بی تا ۱۹: ۱۴۸).

در فقه اسلامی در استنباط حکم به موارد متعددی به کرامت انسانی استناد شده است. از جمله به ممنوعیت شکنجه و هر نوع رفتار غیرانسانی (علامه جعفری، ۱۴۱۹، ۱۵۱)، عدم جواز اذیت و آزار انسان‌ها و زنان (لنکرانی، بی تا ۱: ۴۳۳؛ مغنیه، ۱۳۶۷، ۱: ۳۷۴)، ممنوعیت رفتارهای مغایر با حقوق بشر در جنگ، مانند مثله کردن افراد (جمعی از محققان، ۱۴۲۸، ۲: ۵۹ و ۴۲۱)، اجتناب از آلات لهو و لعب (گلپایگانی، ۱۴۱۷: ۵۳)

اثبات دیه برای کمترین آسیب به بدن انسان (همایش بین‌المللی امام خمینی قلمرو دین، ۱۳۸۶، ۱۳: ۱۶ و ۱۹)، عدم جواز کشتن افراد نیمه مرده یا جنین غیرقابل درمان، ممنوعیت

تشریح جسد بدون ضرورت و عدم نجاست انسان (همایش بین‌المللی امام خمینی قلمرو دین، ۱۳۸۶، ۱۳: ۲۴۸) و عدم جواز تشریح میت بدون ضرورت، می‌توان اشاره کرد (صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۱۵۷). برخی از فقهای اهل سنت، انسان مرده را پاک دانسته و به آیه «لقد کرمنا بنی آدم» استناد کرده‌اند. با توجه به کرامت انسان، نجس بودن مشرک در آیه «انما المشرکون نجس» را به نجاست باطنی تفسیر کرده‌اند (جزیری، غروی، یاسر، ۱۴۱۹، ۱، ۶۴). فقهای حنفی نیز عدم جواز فروش اجزای بدن انسان را به کرامت انسان نسبت داده‌اند. کرامت و احترام انسان اقتضا می‌کند که اعضای بدن انسان به‌عنوان کالا در نظر گرفته نشود، زیرا این امر انسان را در معرض کالا انگاری قرار می‌دهد، کالا انگاری انسان از هدف به‌وسیله تنزل می‌دهد (کاسانی، ۱۴۰۶، ۵، ۱۴۵)؛ برخی از نویسندگان نیز احکام فقهی مانند نهی از غیبت، القاب زشت به یکدیگر دادن، تجسس در حال یکدیگر و ... را در راستای تضمین کرامت انسان توجیه نموده است (قماش، ۱۳۹۳: ۶۰). تبعیض ژنتیکی به‌عنوان رفتاری مغایر با کرامت انسانی جایز نیست؛ زیرا ویژگی‌های ژنتیکی هیچ‌گونه مزیتی برای افراد یا گروه‌ها ایجاد نمی‌کنند، افراد فارغ از ویژگی‌های ژنتیکی، مستحق حقوق و تکالیف قرار دارد و هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز بر اساس ویژگی ژنتیکی ناقض کرامت انسان محسوب می‌گردد. شرکت‌های بیمه و کارفرمایان نمی‌توانند با استناد به رضایت افراد، رفتار تبعیض‌آمیز مبتنی بر اطلاعات ژنتیکی را توجیه کنند؛ زیرا کرامت انسانی به‌عنوان یک اصل برتر، حتی در تزاخم با رضایت شخصی، مقدم است و رضایت شخص محکوم اصل کرامت انسان است.

۵- مجازات تبعیض ژنتیکی

باوجود اثبات حرمت دستیابی به اطلاعات ژنتیکی دیگران و حرمت استفاده آن در جهت تبعیض ژنتیکی، مجازات برای آن در شرع تعیین نشده است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد در مواردی که قاضی حکم قضایا را در قانون نیافت باید به منابع فقهی و فتوای معتبر مراجعه نماید. با توجه تصریح قانون‌گذار در مواضع متعدد و ماده ۲۲۰ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ مبنی بر پذیرش اطلاق اصل ۱۶۷ و بر امور کیفری و تکلیف به مراجعه به منابع شرعی در موارد سکوت قانون، قاضی موظف به مراجعه به منابع فقهی و فتوای معتبر است. در منابع فقهی مجازات به حسب ماهیت آن، به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شود. حدود، قصاص و دیات در حوزه مجازات معین قرار می‌گیرد که اصل و مقدار و کیفیت مجازات در شرع معین شده است. تعزیرات غیر از موارد منصوص اصل و میزان و کیفیت آن در اختیار حاکم اسلامی قرار داده شده است. حاکم اسلامی بر اساس قاعده فقهی التعزیر لکل محرم یا رفتار دارای مفسده می‌تواند مجازات متناسب برای آن رفتار تعیین نماید (عاملی شهید اول، بی تا ۲: ۱۴۳). شیخ طوسی در مبسوط، سید میر عبد الفتاح مراغی در عناوین مرحوم خویی در مبانی تکمله مرتکب فعل حرام که برای آن در شرع حد تعیین نشده است قابل تعزیر می‌دانند (طوسی، ۸، ۱۳۸۷: ۶۹؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۲: ۶۲۷؛ خویی، ۱۴۲۲، ۴۱: ۴۰۷). صاحب جواهر بر این امر ادعای اجماع نموده است مرحوم خویی ادعای شهرت بلکه عدم خلاف کرده است (خویی، ۱۴۲۲، ۴۱: ۴۰۷).

نتیجه‌گیری

بررسی جرم انگاری تبعیض ژنتیکی بر اساس نظریه جاناناتان شنشک نشان می‌دهد به دلیل نقض منافع دیگران، از جمله اخراج از کار، افزایش هزینه‌های بیمه، آسیب‌های خانوادگی، برچسب‌های ژنتیکی و نقض کرامت انسانی، مشمول اصول محدود کننده آزادی اصل ضرر، اصل پدرسالاری و اخلاق‌گرایی حقوقی قرار می‌گیرد.

توصیه‌ها و الزامات اخلاقی، اقدامات نظارتی دولت و ضمانت اجراهای مدنی در مقابله با تبعیض ژنتیکی کارایی کافی را ندارند. ضمانت اجرای کیفری، به دلیل قدرت بازدارندگی و سرزنش اجتماعی، مؤثرترین راه برای مقابله با این رفتار است. تحلیل فایده و هزینه جرم‌انگاری تبعیض ژنتیکی اگرچه به جهت کاربردهای مثبت اطلاعات ژنتیکی از وسعت و گستردگی جرم‌انگاری می‌کاهد اما مانع جرم‌انگاری نمی‌گردد بلکه جرم‌انگاری به حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی می‌انجامد. از نظر مبانی فقهی هرچند دسترسی اشخاص ثالث اعم از حقیقی و حقوقی بر اطلاعات ژنومی افراد بدون کسب رضایت افراد مطابق اصل سلطنت جواز ندارد. اگر این دسترسی همراه با تجسس و تفحص باشد مشمول اطلاق ادله حرمت تجسس نیز قرار می‌گیرد. سوءاستفاده از اطلاعات ژنومی افراد در جهت تبعیض ژنتیکی مطابق اصل ضرر و کرامت انسان حرام شمرده می‌شود. حتی با کسب رضایت صاحبان اطلاعات ژنتیکی جواز ندارد؛ زیرا اصل ضرر و کرامت حاکم بر دلیل سلطنت محسوب می‌شود، سلطنت بر بدن و توابع بدن از اطلاق برخوردار نیست بلکه مقید به حدود مانند کرامت ذاتی و حرمت اضرار است. با وجود حرمت دستیابی اطلاعات ژنتیکی دیگران و استفاده در جهت تبعیض ژنتیکی، مجازات برای آن در شرع تعیین نشده است. برای تعیین مجازات می‌توان به قاعده فقهی التعزیر لکل محرم تمسک کرد.

فهرست منابع

۱- قرآن

۲- نهج البلاغه

- ۳- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، سوم
- ۴- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴ ق.). معجم مقائیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول.
- ۵- احمدی، عید محمد، (۱۳۹۰)، کرامت انسانی و مجازات بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر غربی، قم - موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ه)، چاپ اول.
- ۶- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹ ه.ق)، کفایه الاصول (طبع البیت)، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
- ۷- اردکانی، علی متولی زاده (بهار ۱۳۹۵)، «پروژه ژنوم انسانی و چالش‌های اخلاقی و حقوقی در جوامع انسانی» فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره نوزدهم، صص ۱۲۴-۱۰۲.
- ۸- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات الفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، اول.
- ۹- اصفهانی، احمد نصر؛ رئیسی، لیلا؛ آرش پور، علیرضا، (بهار - تابستان ۱۳۹۹)، «جرم انگاری بین‌المللی زیست‌بوم زدایی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، صص ۳۰۴-۲۷۳.
- ۱۰- جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد - یاسر مازح (۱۴۱۹ ه.ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البیت علیهم السلام، دار الثقلین، بیروت - لبنان، اول.
- ۱۱- جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، (۱۴۲۸ ه.ق)، جهاد در آینه روایات، انتشارات زمزم هدایت، قم - ایران، اول.
- ۱۲- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه.ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول.
- ۱۳- حرّاعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم - ایران، اول.
- ۱۴- خمینی، شهید، سید مصطفی موسوی (۱۴۱۸ ه.ق)، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، اول.
- ۱۵- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۲۲ ه.ق). مبانی تکملة المنهاج، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران، اول.
- ۱۶- ----- (بی‌تا) مصباح الفقاهة (المکاسب).
- ۱۷- دانش فر، محمدحسن و دیگران (بهمن ۱۴۰۱)، «واکاوی مفهوم حق، تسلط و مالکیت بر خویشتن و رابطه آن با خودکشی و امکان جرم انگاری آن» ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۳۶۷۰-۳۶۴۹.
- ۱۸- دیزجی، مجید ذکی و دیگران، (۱۳۹۴) «چالش‌های اخلاقی بانک‌های زیستی انسانی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم، شماره ۲، صص ۲۰-۱۱.
- ۱۹- ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۶)، اسناد حقوق بشری اخلاق زیستی یونسکو، تهران - انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- ۲۰- صادقی، محمود (پاییز ۱۳۸۴) «چالش‌های اخلاقی ثبت اختراعات بیوتکنولوژیک» فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۱۹-۸۷.
- ۲۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ ه.ق)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، دوم.

- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ه.ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم.
- ۲۳- ----- (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- ۲۴- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، قم - ایران، اول.
- ۲۵- عزیزی، علیرضا؛ مهدوی ثابت، محمدعلی، (۱۳۹۷)، «مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری اخلاق در فرایند دادرسی کیفری»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰ شماره ۱۸، صص ۲۷۸-۲۵۵.
- ۲۶- علامه جعفری، محمدتقی، (۱۴۱۹ ه.ق) رسائل فقهی (علامه جعفری)، مؤسسه منشورات کرامت، تهران - ایران، اول.
- ۲۷- -----، (۱۳۸۱)، طرح ژنوم انسانی، تهران موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چ اول.
- ۲۸- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۸)، فقه و حقوق قراردادها، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
- ۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ه.ق). کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ایران، دوم.
- ۳۰- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۹۰). آینده فرا انسان ما: پیامدهای انقلاب بیوتکنولوژی، ترجمه ترانه قطب، انتشارات طرح نو، چ اول.
- ۳۱- فیاض، محمد اسحاق، (۱۴۲۶ ه.ق) المسائل المستحدثة (للفیاض)، مؤسسه مرحوم محمد رفیع حسین، کویت، اول.
- ۳۲- قماش، سعید (۱۳۹۳)، کرامت انسانی و نقش آن در جرم انگاری، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ۳۳- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (ط - الإسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم.
- ۳۴- کاسانی، علاء الدین (۱۴۰۶ ق ه)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الثانية.
- ۳۵- کاظمی، عبدالحسین و دیگران (بهار ۱۳۸۹)، چالش های اخلاقی بانک های اطلاعات ژنتیکی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۱-۲۵.
- ۳۶- کوه کمری، سید محمد بن علی حجت (۱۴۰۹ ه.ق)، کتاب البیع (للكوه کمری)، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، دوم.
- ۳۷- گلپایگانی، لطف الله صافی، (۱۴۱۷ ه.ق) جامع الأحکام (صافی)، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، قم - ایران، چهارم.
- ۳۸- ----- (۱۴۱۶ ه.ق)، القواعد الفقهیة (للفاضل)، در یک جلد، چاپخانه مهر، قم - ایران، اول.
- ۳۹- ----- (بی تا) جامع المسائل (فارسی - فاضل)، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، یازدهم.
- ۴۰- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، بنادر البحار، تهران، چاپ: اول.
- ۴۱- محمود عباسی، بهاره حیدری، هجر صفری علی قیار لو، تلاش ها بین المللی در جهت جلوگیری از تبعیض ژنتیکی فصلنامه حقوق پزشکی، سال دهم، شماره سی و هفتم، تابستان ۱۳۹۵ صص ۸۴-۶۰.
- ۴۲- محمودی، ثریا (۱۳۹۸). زیست فناوری و کرامت انسانی، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۴۳- مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷ ه.ق). العناوین الفقهیة، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
- ۴۴- مصباح، محمدتقی، (۱۳۷۹)، حقوق سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- ۴۵- مطهری، شهید مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم - ایران، اول.
- ۴۶- منصورآبادی، عباس؛ ریاحی، جواد، (۱۳۹۱)، «مفهوم شناسی مبانی در پژوهش های حقوقی»، مجله پژوهش های حقوقی (علمی - ترویجی) شماره ۱۳۹۱، ۲۲، صص ۲۴-۹.

- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ هـ ق)، القواعد الفقهية (لمکارم)، مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، قم - ایران، سوم.
- ۴۸- میر هاشمی، زهرا سادات (۱۳۹۶)، فناوری ژنتیک انسانی در آئینه فقه و حقوق، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۴۹- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم.
- ۵۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید. (۱۳۷۷). دانش نامه جرم‌شناسی، ناشران: گنج دانش، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- ۵۱- نوبهار، رحیم. (بهمن و اسفند ۱۳۸۳) «اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، دغدغه‌ها، رویکردها و سازگاری‌های آن با دیدگاه اسلامی» نامه مفید شماره ۴۶، صص ۹۸-۶۱.

منابع لاتینی

- 1- Feinberg, J. (1987). Harm to others (Vol. 1). Oxford University Press.
- 2- Feinberg, J.(1973) Social Philosophy, New Jersey, Prentice hall Inc.
- 3- Feinberg, J.(1988) Harmless Wrongdoing, New York, Oxford University Press.
- 4- Feinberg, J.(1988) Harmless Wrongdoing, New York, Oxford University Press .
- 5- Mitchel, Basil,(1970) Law, morality and Religion in secular Society, London, Oxford University Press.
- 6- Schonscheck, J. (1994). On criminalization: An essay in the philosophy of criminal law (Vol. 19). Springer Science & Business Media.